

A Comparative Study of Iran and the United States' Approaches to Governing Domestic and Foreign Digital Platforms

Abstract

In recent decades, digital platforms have emerged as pivotal actors in the global economy, social interaction, and national security. However, without proper regulatory frameworks, they can pose serious risks to national sovereignty, privacy rights, the spread of disinformation, and market concentration. This article adopts a comparative analytical approach, based on desk research, to examine how the United States and the Islamic Republic of Iran regulate digital platforms. As a leading technological power and host to many global platforms, the United States has implemented assertive and structured policies toward both foreign entities such as TikTok and Huawei, and domestic platforms. These policies are rooted in cyber governance, economic regulation, and antitrust law, enabling broad state authority in digital governance. Despite facing more acute external threats, Iran possesses fewer effective tools for platform regulation. Measures such as blocking Telegram and restricting Instagram, though motivated by national sovereignty concerns, have shown limited success due to external constraints, lack of public support, the absence of viable domestic alternatives, and fragmented institutional coordination. The comparative analysis reveals that the U.S., while operating in a less hostile environment, enforces stricter policies toward foreign platforms, and simultaneously supports its domestic platforms. This dual approach underscores the instrumental use of digital platforms for advancing geopolitical strategies. In contrast, Iran's limited engagement with platform owners, underdeveloped digital infrastructure, and inconsistent regulatory policies have left user rights, national sovereignty, and cybersecurity vulnerable. The article concludes by offering policy recommendations for Iran, emphasizing the need to strengthen legal frameworks, develop indigenous infrastructure, and enhance cyber diplomacy to ensure more effective and sovereign digital platform governance.

Keywords:

Cybersecurity, Digital Platforms, Regulation, National Sovereignty, User Rights, Cyber Diplomacy, Cyberspace.

Accepted | Awaiting Publication
رواستاری نشده | Awaiting Publication

مطالعه تطبیقی رویکردهای ایران و آمریکا در اعمال حکمرانی نسبت به پلتفرم‌های داخلی و خارجی

اعلی بهادری جهرمی

چکیده

تحولات فناوری در دهه‌های اخیر، سکوهای دیجیتال را به یکی از مؤثرترین ابزارها در اقتصاد جهانی، تعاملات اجتماعی و امنیت ملی تبدیل کرده است. با این حال در صورت عدم تنظیم‌گری مناسب، می‌تواند چالش‌های عمده‌ای در حوزه حاکمیت ملی، نقض حریم خصوصی، انتشار اخبار جعلی و انحصارطلبی ایجاد کند. این مقاله با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و اتخاذ روشی تحلیلی با رویکردی تطبیقی به تحلیل تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال در ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. ایالات متحده، به‌عنوان یکی از پیشگامان فناوری و محل استقرار بسیاری از پلتفرم‌های بزرگ، سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای را در تعامل با پلتفرم‌های خارجی نظیر تیک‌تاک و هواوی و حتی پلتفرم‌های داخلی اعمال کرده است. این سیاست‌ها بر پایه قوانینی حوزه حکمرانی سایبری و همچنین حکمرانی اقتصاد و ضد انحصار طراحی شده‌اند و به دولت این کشور قدرت فراگیری در تنظیم‌گری فضای دیجیتال بخشیده‌اند. در مقابل ایران با وجود تهدیدات گسترده‌تر، ابزارهای محدودتری برای تنظیم‌گری پلتفرم‌ها در اختیار دارد. سیاست‌هایی مانند مسدودسازی تلگرام و محدودیت بر اینستاگرام، هرچند در راستای حفظ حاکمیت ملی انجام شده‌اند، اما به دلیل مشکلات خارجی، عدم همراهی مناسب افکار عمومی، نبود جایگزین مناسب و عدم ثبات و هماهنگی نهادی، اثربخشی محدودی داشته‌اند. مقایسه تطبیقی این دو کشور نشان می‌دهد که ایالات متحده با وجود برخورداری از شرایطی کمتر تهدیدآمیز، رویکردی سخت‌گیرانه‌تر در تنظیم‌گری پلتفرم‌های خارجی اتخاذ کرده است. در عین حال، حمایت این کشور از پلتفرم‌های داخلی و اعمال استانداردهای دوگانه در مواجهه با دیگر کشورها، نشان‌دهنده استفاده از پلتفرم‌ها به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های ژئوپلیتیکی است. در ایران، عدم امکان تعامل مؤثر با مالکان پلتفرم‌ها، ضعف در توسعه زیرساخت‌های بومی و تغییرات مکرر در سیاست‌های تنظیم‌گری، موجب شده است که حقوق کاربران، حاکمیت ملی و امنیت سایبری در معرض تهدید قرار گیرند. در بخش پایانی پیشنهادهایی شامل تقویت چارچوب‌های حقوقی، دیپلماسی سایبری و توسعه زیرساخت‌های بومی برای بهبود تنظیم‌گری پلتفرم‌ها در ایران ارائه شده است.

واژگان کلیدی

امنیت سایبری، پلتفرم (سکوی) دیجیتال، تنظیم‌گری، حاکمیت ملی، حقوق کاربران، دیپلماسی سایبری، فضای مجازی.

^۱ استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پلتفرم‌های دیجیتال^۲، به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی تحول در اقتصاد و حکمرانی مدرن، در دهه‌های اخیر به بازیگرانی تأثیرگذار در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورها تبدیل شده‌اند. این پلتفرم‌ها، با ایجاد شبکه‌های گسترده کاربران و بهره‌گیری از داده‌های شخصی و کلان‌داده‌ها، تحولی شگرف در نظام‌های تولید، توزیع و مصرف ایجاد کرده‌اند. از سوی دیگر، ماهیت فرامرزی این پلتفرم‌ها، که اغلب بدون محدودیت جغرافیایی فعالیت می‌کنند، چالش‌های بی‌سابقه‌ای برای حاکمیت ملی و قوانین داخلی کشورها پدید آورده است (Zuboff, 2019: 110). تنظیم‌گری^۳ پلتفرم‌های دیجیتال، به دلیل ویژگی‌های خاص آنها، از تنظیم‌گری سایر حوزه‌ها متفاوت است. این پلتفرم‌ها، برخلاف بازیگران سنتی، به داده‌ها به‌عنوان منبع اصلی ارزش‌آفرینی وابسته هستند و الگوریتم‌ها و مدل‌های تجاری آنها به‌طور مستقیم بر رفتار کاربران تأثیر می‌گذارند. افزون بر این، گستردگی فعالیت پلتفرم‌ها در حوزه‌های مختلف، از تجارت الکترونیک گرفته تا رسانه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی، اهمیت تنظیم‌گری جامع و شفاف را دوچندان کرده است. با این حال، تنظیم‌گری این پلتفرم‌ها نه تنها برای مدیریت فعالیت‌های آنها، بلکه برای تضمین حاکمیت ملی، امنیت سایبری و عدالت اجتماعی ضروری است (OECD, 2021: 22). ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یکی از پیشگامان حوزه فناوری و خاستگاه بسیاری از پلتفرم‌های بزرگ جهان، رویکردی متفاوت در تنظیم‌گری پلتفرم‌ها در مقایسه با سایر کشورها دارد. تسلط پلتفرم‌های آمریکایی بر بازارهای جهانی، موجب شده است که نیاز به تنظیم‌گری در این حوزه کمتر احساس شود. با این حال، قوانین مهمی مانند قانون حفاظت از حریم خصوصی کودکان^۴ یا بخش ۲۳۰ قانون نجابت ارتباطات^۵ در آمریکا نشان‌دهنده توجه جدی این کشور به مدیریت این حوزه است. سیاست‌های ایالات متحده در این زمینه بر سه محور اصلی تمرکز دارد: حمایت از نوآوری داخلی، حفظ رقابت عادلانه داخلی و حفاظت از حقوق کاربران به ویژه در برابر پلتفرم‌های خارجی. در مقابل جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور مصرف‌کننده در فضای مجازی، با چالش‌های گسترده‌ای در تنظیم‌گری پلتفرم‌های داخلی و خارجی مواجه است. پلتفرم‌های خارجی مانند اینستاگرام، واتس‌آپ و تلگرام که در میان کاربران ایرانی محبوبیت زیادی دارند و اغلب از همکاری با نهادهای داخلی و رعایت قوانین ملی خودداری کرده‌اند. از سوی دیگر، توسعه پلتفرم‌های داخلی به دلیل محدودیت‌های زیرساختی و عدم سرمایه‌گذاری کافی، در مقایسه با پلتفرم‌های خارجی با مشکلات جدی روبه‌رو بوده است. با وجود تدوین سیاست‌هایی مانند سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی و الزام دستگاه‌های مختلف به پیاده‌سازی اقدامات کلان در آن مانند طراحی نظام اقتصاد دیجیتال، طراحی نظام حقوقی فضای مجازی، طراحی نظام قضایی فضای مجازی، طراحی نظام انتظامی فضای مجازی، طراحی نظام حکمرانی داده‌ها و حتی تصویب برخی از آنها مانند سند تبیین الزامات شبکه ملی اطلاعات، تنظیم‌گری در ایران همچنان با موانع حقوقی و اجرایی متعددی روبه‌رو است. (غلامی و پورحیدر، ۱۴۰۰: ۱۴) هدف پژوهش حاضر بررسی تطبیقی سیاست‌های تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال در ایران و آمریکا است. این مطالعه بر اساس روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود و از روش گردآوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای و همچنین استفاده از منابع دیجیتال بهره می‌برد. منابع استفاده‌شده شامل

² Digital platforms

³ Regulation

⁴ Children's Online Privacy Protection Act - COPPA

⁵ Communications Decency Act - CDA

قوانین و مقررات ملی دو کشور، مقالات پژوهشی، گزارش‌های بین‌المللی و کتب و مقالات مرتبط با حوزه تنظیم‌گری است. سؤال اصلی این پژوهش این است که چگونه تفاوت‌های حاکمیتی، حقوقی و فنی در ایران و آمریکا منجر به اتخاذ رویکردهای متفاوت در تنظیم‌گری و اعمال حاکمیت نسبت به پلتفرم‌ها شده است؟ همچنین این پژوهش تلاش می‌کند راهکارهایی عملی برای تقویت تنظیم‌گری پلتفرم‌ها در ایران ارائه دهد. علی‌رغم اهمیت مسأله تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال در فضای مجازی و چالش‌های نظام حقوقی ایران در این زمینه، عمده تلاش اندیشمندان تا کنون معطوف به خرده مسائل تنظیم‌گری پلتفرم‌ها همچون رقابت، مسئولیت و حریم خصوصی بوده است. مقاله «رویه‌های نوین مخل رقابت سکوها‌های فضای مجازی» (بهادری و همکاران، ۱۴۰۳) در زمینه تنظیم رقابت، مقاله «مسئولیت مدنی بسترهای مجازی آنلاین در قبال اعمال کاربران» (حسام و غلامعلی‌زاده، ۱۴۰۲) در زمینه تنظیم مسئولیت، مقاله «مفهوم و اهمیت داده‌های شخصی و حریم خصوصی و انواع حمایت از آن در فضای مجازی» (قناد و علیقلی، ۱۳۹۹) در زمینه حریم خصوصی و مقاله «تعدد نهادهای قانون‌گذاری با تأکید بر جایگاه مصوبات شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران» (مرادخانی و تکلو، ۱۴۰۰) در زمینه نهادهای هنجارگذار فضای مجازی، نمونه‌هایی از ورود حقوقدانان به چالش‌های حوزه فضای مجازی با رویکرد پیش‌گفته به شمار می‌روند. با این حال، اثری که با نگاهی کلان و معطوف به حاکمیت ملی به بررسی تطبیقی سیاست‌های تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال در نظام حقوقی ایران و آمریکا پرداخته باشد و به ارائه راهکارهای ایجابی جهت تنظیم پلتفرم‌های دیجیتال منتهی شده باشد، تا کنون به رشته تقریر در نیامده است. در بخش اول این مقاله، مبانی نظری تنظیم‌گری و اهمیت آن در حکمرانی دیجیتال بررسی می‌شود. بخش دوم به تحلیل سیاست‌های ایالات متحده در تنظیم‌گری پلتفرم‌های داخلی و خارجی می‌پردازد. در بخش سوم، وضعیت ایران در این حوزه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بخش چهارم مقایسه تطبیقی سیاست‌های ایران و آمریکا را ارائه می‌دهد و در نهایت، در بخش پنجم، راهکارهایی برای تقویت سیاست‌های تنظیم‌گری در ایران با استفاده از تجارب بین‌المللی ارائه می‌شود.

۱- مبانی نظری

پلتفرم‌های دیجیتال به‌عنوان ساختارهای نوین فناوری، نقش بی‌بدیلی در سازماندهی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کنند. این پلتفرم‌ها، که معمولاً واسطه‌ای میان گروه‌های مختلف کاربران هستند، با ارائه خدمات متنوعی از پیام‌رسانی تا تجارت الکترونیک، جایگاه ویژه‌ای در زندگی روزمره یافته‌اند. ویژگی‌هایی نظیر فرامرزی بودن، اثر شبکه‌ای، مقیاس‌پذیری بالا، و مدل‌های مبتنی بر داده، آن‌ها را به قدرت‌های اقتصادی و اجتماعی تبدیل کرده که مرزهای حکمرانی سنتی را به چالش کشیده‌اند (Kenney & Zysman, 2016: 62). این ماهیت و جایگاه خاص پلتفرم‌ها موجب شده است تا تنظیم‌گری آن‌ها به یکی از ضروری‌ترین وظایف دولت‌ها تبدیل شود.

۱-۱- مفهوم حاکمیت ملی در فضای دیجیتال

حاکمیت ملی در فضای دیجیتال به توانایی و اختیار دولت‌ها برای اعمال اقتدار، قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری در قلمرو سایبری کشور اشاره دارد. این حاکمیت نه تنها شامل کنترل بر زیرساخت‌ها و داده‌ها، بلکه شامل قدرت مداخله، نظارت، تعیین قواعد رفتاری و مقابله با مداخلات خارجی نیز هست. (Smuha, 2024, p. 8)، برخلاف رویکرد سنتی که حاکمیت را به مرزهای فیزیکی محدود

می‌سازد، حاکمیت دیجیتال بر اعمال اقتدار دولت در قلمروی بدون مرز فضای مجازی تأکید دارد. این نوع حاکمیت، با قدرت پاسخ‌گویی به چالش‌هایی نظیر انحصار پلتفرم‌های فرامرزی، نفوذ اطلاعاتی، ناامنی سایبری و عدم شفافیت الگوریتمی سنجیده می‌شود.

در سطح سیاست‌گذاری بین‌المللی نیز اصطلاح “digital sovereignty” برای اشاره به این مفهوم به‌کار می‌رود و در اسناد کلیدی اتحادیه اروپا نظیر سند «شکل‌دهی به آینده دیجیتال اروپا»⁶ به‌عنوان محور تحول دیجیتال بر آن تأکید شده است (European Commission, 2020, p. ۶). در گزارش مجمع جهانی اقتصادی نیز بر این نکته تأکید شده است که در غیاب حاکمیت دیجیتال، کشورهای جهان ناگزیر به پذیرش قواعدی هستند که توسط بازیگران خصوصی و دولت‌های دیگر تدوین شده‌اند (Economic Forum, 2020, p. ۴).

چنین مفهومی از حاکمیت نه تنها مستلزم ظرفیت فناوریانه، بلکه نیازمند زیرساخت قانونی و نهادی مناسب برای حفاظت از داده‌های ملی و تضمین استقلال راهبردی است. در جمهوری اسلامی ایران نیز مفهومی مشابه با آن در اسناد بالادستی همچون سند شبکه ملی اطلاعات و در بیانات مقام معظم رهبری، مورد تأکید قرار گرفته و صیانت از حاکمیت در فضای مجازی به‌عنوان یکی از الزامات بنیادین حکمرانی مطرح شده است.

۱-۲- مفهوم و ضرورت تنظیم‌گری پلتفرم‌ها

تنظیم‌گری پلتفرم‌ها^۷ به مجموعه‌ای از قوانین، رویه‌ها و ساختارهای نظارتی اطلاق می‌شود که هدف آن‌ها هدایت، نظارت و پاسخ‌گوسازی پلتفرم‌های دیجیتال است؛ به‌گونه‌ای که این بازیگران، در عین ایفای نقش نوآورانه در عرصه اقتصاد دیجیتال، مسئولیت‌پذیری لازم را در قبال منافع عمومی، حقوق کاربران و رقابت سالم داشته باشند (Gorwa, 2022, p. ۲). پلتفرم‌ها به‌دلیل ماهیت فرامرزی، اثرگذاری چندلایه و انحصارهای اقتصادی، با چالش‌های خاصی در حوزه تنظیم‌گری مواجه‌اند. این چالش‌ها نه تنها در حوزه محتوا و حریم خصوصی، بلکه در حوزه رقابت، اطلاعات نادرست، تبلیغات هدفمند و تمرکز قدرت الگوریتمی نمود یافته‌اند.

این تنظیم‌گری نه تنها برای تضمین رقابت عادلانه و حفاظت از حقوق کاربران، بلکه برای حفظ حاکمیت ملی و مدیریت چالش‌های مرتبط با امنیت سایبری و فرهنگی نیز الزامی است (Kenney & Zysman, 2016: 65)؛ در سطح بین‌المللی، تجربه‌هایی نظیر اقدام اتحادیه اروپا در تدوین قانون خدمات دیجیتال^۸ و قانون بازارهای دیجیتال^۹ یا قواعد متعددی که در حوزه حریم خصوصی یا حفاظت از داده در این اتحادیه به تصویب رسیده و به مرحله‌ی اجرا درآمده است (خوبیاری، ۱۴۰۳: ۱۲۹) نمونه‌هایی از تنظیم‌گری نوین پلتفرم‌ها در پاسخ به این چالش‌هاست. این قوانین، پلتفرم‌های بزرگ را ملزم به شفافیت الگوریتمی، ارائه گزارش‌های سالانه، همکاری با نهادهای نظارتی و حذف محتوای غیرقانونی کرده‌اند (de Stree et al., 2021, p. ۵). تحلیل نهادهایی مانند چتم هاوس یا مؤسسه

6 Shaping Europe's Digital Future

7 Platform Regulation

8 Digital Services Act (DSA)

9 Digital Markets Act (DMA)

سلطنتی روابط بین‌المللی لندن نیز نشان می‌دهد که بدون وجود یک رویکرد نظام‌مند به تنظیم‌گری پلتفرم‌ها، حتی دولت‌های قوی نیز در برابر تصمیم‌گیری‌های پنهان و تجاری این بازیگران ناتوان خواهند بود (Afina et al., 2024, p. 7). ایالات متحده نیز با وجود تأکید بر آزادی اقتصادی و رقابت آزاد، قوانینی نظیر قانون حفاظت از حریم خصوصی کودکان در فضای آنلاین را به تصویب رسانده است که نشان‌دهنده عزم این کشور در مدیریت پلتفرم‌هاست (OECD, 2021: 22). در نتیجه، تنظیم‌گری پلتفرم‌ها به‌مثابه بخشی از نظم حقوقی آینده ضرورتی پذیرفته شده در سطح بین‌المللی به شمار می‌آید.

ضرورت تنظیم‌گری پلتفرم‌ها در ایران نیز از دو جهت قابل بررسی است. نیاز به حفظ حاکمیت ملی و مدیریت داده‌های کاربران ایرانی اولین جهت قابل طرح است. از منظر حاکمیتی، تنظیم‌گری پلتفرم‌ها ابزار ضروری برای مدیریت مسائل امنیتی و سیاسی است. پلتفرم‌های خارجی نظیر واتساپ و تلگرام که بدون نظارت مؤثر در کشور فعالیت می‌کنند، در بسیاری مواقع بحرانی به چالشی برای حاکمیت ملی تبدیل شده‌اند. دومین مسأله توجه به اهمیت توسعه پلتفرم‌های بومی برای کاهش وابستگی به پلتفرم‌های خارجی است. نبود سیاست‌های حمایتی مؤثر، موجب شده که بسیاری از پلتفرم‌های بومی توان رقابت با نمونه‌های خارجی را نداشته باشند، که این امر به کاهش استقلال دیجیتال کشور انجامیده است (پیشماز و رکنی، ۱۴۰۲: ۴۷۵). تنظیم‌گری پلتفرم‌ها همچنین به‌عنوان ابزاری برای مقابله با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی مطرح می‌شود. به‌عنوان مثال، اینستاگرام، که یکی از محبوب‌ترین پلتفرم‌های خارجی در ایران است، به دلیل عدم تطابق محتوای آن با هنجارهای فرهنگی و اجتماعی کشور، نگرانی‌هایی را برانگیخته است. در این راستا، تنظیم‌گری می‌تواند به مدیریت بهتر محتوای ارائه‌شده و انطباق آن با ارزش‌های بومی کمک کند. ضرورت تنظیم‌گری همچنین به اثرگذاری اقتصادی پلتفرم‌ها مرتبط است. در اقتصاد دیجیتال، بسیاری از کسب‌وکارها به این پلتفرم‌ها وابسته‌اند. عدم تنظیم‌گری مناسب می‌تواند منجر به عدم ثبات و امنیت فعالیت اقتصادی در این بسترها، سوءاستفاده‌های انحصاری، رقابت ناعادلانه و کاهش اعتماد عمومی شود.

در ایالات متحده، محدودیت‌های اعمال‌شده بر پلتفرم‌هایی مانند تیک‌تاک و هواوی نشان‌دهنده اهمیت امنیت سایبری در تنظیم‌گری است. در ایران نیز، نگرانی‌های امنیتی ناشی از فعالیت پلتفرم‌های خارجی نظیر واتساپ و تلگرام، لزوم ایجاد چارچوب‌های نظارتی قوی‌تر را برجسته کرده است. بنابراین، تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال نه تنها یک انتخاب، بلکه یک ضرورت برای حفظ حاکمیت ملی، حمایت از حقوق کاربران و تضمین عدالت اقتصادی و اجتماعی است. تحلیل تطبیقی سیاست‌های ایران و آمریکا می‌تواند نشان‌دهنده نقاط قوت و ضعف هر دو کشور در این زمینه باشد و چارچوبی برای تقویت حکمرانی دیجیتال در ایران فراهم کند که در بخش دوم نوشتار به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۲- سیاست‌های تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال در ایالات متحده

مواجهه تنظیم‌گرانه ایالات متحده با پلتفرم‌های دیجیتال تا کنون از نوع ساده و بسیط نبوده و سیاست آن در قبال پلتفرم‌های داخلی، متفاوت از سیاست آن در مواجهه با پلتفرم‌های خارجی است که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۱-۲- سیاست داخلی ایالات متحده در تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال

ایالات متحده، به‌عنوان یکی از پیشروترین کشورهای جهان در عرصه فناوری و اقتصاد دیجیتال، سیاست‌های تنظیم‌گری داخلی خود را بر مبنای اصول بازار آزاد و رقابت عادلانه تدوین کرده است. سیاست‌های داخلی این کشور در تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال بر ایجاد تعادل میان حمایت از نوآوری و حفاظت از منافع عمومی متمرکز است. به دلیل اینکه بسیاری از پلتفرم‌های بزرگ جهان نظیر گوگل، آمازون، متا (فیسبوک) و توئیتر در ایالات متحده مستقر هستند، سیاست‌گذاری داخلی این کشور تأثیر قابل‌توجهی بر تنظیم‌گری جهانی دارد. (Bracha & Pasquale, 2008: 1162)

یکی از ارکان اصلی سیاست‌گذاری اعلامی ایالات متحده، قوانین مرتبط با حفاظت از داده‌ها و حریم خصوصی است. قانون حفاظت از حریم خصوصی کودکان در فضای آنلاین یکی از اولین قوانین جامع در این حوزه است که از سال ۱۹۹۸ پلتفرم‌ها را ملزم به رعایت محدودیت‌های سخت‌گیرانه در جمع‌آوری اطلاعات شخصی کودکان زیر ۱۳ سال کرده است. این قانون از آن زمان تاکنون چندین بار به‌روزرسانی شده تا با فناوری‌های جدید و الزامات حریم خصوصی هماهنگ شود. علاوه بر این، اصول مربوط به شفافیت و مسئولیت‌پذیری پلتفرم‌ها که در قالب طرح‌هایی نظیر قانون تبلیغات صادقانه^{۱۰} مطرح شده است، بر شفافیت الگوریتم‌ها، تبلیغات هدفمند و مدیریت داده‌ها تأکید دارد. این طرح به پلتفرم‌ها الزام می‌کند تا نحوه استفاده از داده‌های کاربران را به‌طور شفاف ارائه دهند و امکان نظارت مستقل بر الگوریتم‌ها را فراهم کنند (OECD, 2021: 19). سیاست داخلی ایالات متحده همچنین شامل تنظیم‌گری برای مقابله با قدرت انحصاری پلتفرم‌ها است. یکی از شاخص‌ترین اقدامات در این حوزه، پرونده‌های ضدانحصار علیه شرکت‌هایی نظیر گوگل و آمازون است. در این پرونده‌ها، دولت ایالات متحده تلاش کرده است تا از طریق کمیسیون تجارت فدرال^{۱۱} و وزارت دادگستری، قدرت انحصاری این شرکت‌ها را محدود کرده و محیطی رقابتی‌تر ایجاد کند. به‌عنوان مثال، پرونده گوگل در سال ۲۰۲۰، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین پرونده‌های ضدانحصار در تاریخ آمریکا، تمرکز خود را بر استفاده انحصاری این شرکت از داده‌های کاربران و تضعیف رقبا قرار داد. ایالات متحده همچنین در حوزه امنیت سایبری و مدیریت محتوا، سیاست‌های داخلی جدی را دنبال می‌کند. برای مثال، بخش ۲۳۰ قانون نجابت ارتباطات^{۱۲} که به‌عنوان «اعلامیه حقوق اینترنت» شناخته می‌شود، به پلتفرم‌ها مسئولیت محدودی در قبال محتوای تولیدشده توسط کاربران می‌دهد. این قانون، هرچند به‌عنوان ابزاری برای حمایت از آزادی بیان معرفی شده، اخیراً مورد بازنگری قرار گرفته تا سوءاستفاده‌های احتمالی از آن، به‌ویژه در زمینه انتشار اطلاعات نادرست، محدود شود (Zuboff, 2019: 112). از منظر زیرساختی نیز سیاست‌های ایالات متحده بر تقویت فناوری‌های بومی و توسعه پلتفرم‌های داخلی تأکید دارد. این سیاست‌ها شامل سرمایه‌گذاری‌های دولتی در تحقیق و توسعه، حمایت از نوآوری و ارائه تسهیلات مالیاتی به شرکت‌های فناوری است. در همین راستا، طرح‌هایی نظیر قانون تراشه و علم^{۱۳} در سال ۲۰۲۲ با هدف افزایش رقابت‌پذیری فناوری‌های داخلی در برابر رقبا، به‌ویژه چین، به تصویب رسید. (OECD, 2021: 23)

¹⁰ Honest Ads Act

¹¹ Federal Trade Commission

¹² Communications Decency Act (CDA)

¹³ CHIPS and Science Act

در مجموع، سیاست داخلی ایالات متحده در تنظیم‌گری پلتفرم‌ها ترکیبی از حمایت از نوآوری، حفاظت از حقوق کاربران، شفافیت و مسئولیت‌پذیری پلتفرم‌ها و مدیریت چالش‌های اقتصادی و اجتماعی است. این سیاست‌ها به دلیل موقعیت پیشرو ایالات متحده در اقتصاد دیجیتال، تأثیرات گسترده‌ای بر سایر کشورها و نظام‌های تنظیم‌گری جهانی دارد.

۲-۲- سیاست‌های خارجی ایالات متحده در تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال

سیاست‌های خارجی ایالات متحده در تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال به‌طور گسترده‌ای تحت تأثیر اهداف ژئوپلیتیکی، اقتصادی و امنیت ملی این کشور قرار دارد. به‌عنوان خاستگاه بسیاری از پلتفرم‌های برجسته جهانی، ایالات متحده از این نهادها نه تنها به‌عنوان ابزارهای اقتصادی بلکه به‌عنوان ابزارهای دیپلماتیک و امنیتی بهره‌برداری می‌کند. این سیاست‌ها شامل رویکردهای متنوعی است که از حمایت از پلتفرم‌های داخلی در برابر رقابت خارجی گرفته تا استفاده از آن‌ها برای پیشبرد منافع ملی آمریکا در عرصه جهانی را در بر می‌گیرد (Bracha & Pasquale, 2008: 1165)؛ (Chander, 2025: 661) یکی از مهم‌ترین رویکردهای ایالات متحده، اعمال محدودیت بر پلتفرم‌های خارجی است که تهدیدی برای امنیت ملی این کشور تلقی می‌شوند. به‌عنوان مثال، پرونده تیک‌تاک و تلاش دولت ترامپ برای محدودسازی فعالیت این پلتفرم در سال ۲۰۲۰، نمونه بارزی از سیاست‌های خارجی این کشور در مواجهه با پلتفرم‌های خارجی بود. ایالات متحده ادعا کرد که تیک‌تاک به‌عنوان یک پلتفرم چینی، اطلاعات کاربران آمریکایی را به دولت چین انتقال می‌دهد و امنیت ملی آمریکا را تهدید می‌کند. این پرونده نشان‌دهنده حساسیت آمریکا نسبت به مالکیت و مدیریت داده‌های کاربران توسط شرکت‌های خارجی است. (Chander, 2025: 755)

در ۲۳ مارس ۲۰۲۳ نیز کمیته انرژی و بازرگانی مجلس نمایندگان ایالات متحده جلسه‌ای را برای استماع اظهارات مدیرعامل تیک‌تاک، برگزار کرد. در این جلسه که با واکنش‌های گسترده‌ای مواجه و حتی از آن تحت عنوان استیضاح تیک‌تاک یاد شد، جزئیات عملکرد و نحوه مدیریت تیک‌تاک مورد سوال و مواخذه نمایندگان مجلس قرار گرفت. پس از این جلسه، فشارها بر تیک‌تاک افزایش یافت. بسیاری از قانون‌گذاران تهدید کردند که اگر شرکت مادر تیک‌تاک، مالکیت این پلتفرم را به یک شرکت آمریکایی واگذار نکند، ممکن است فعالیت آن در ایالات متحده ممنوع شود. (Chander, 2025: 754) هم‌زمان با این جلسه، سناتورهای لایحه‌ای تحت عنوان قانون محدودیت^{۱۴} ارائه کردند. این لایحه به دولت آمریکا اختیار می‌دهد تا فعالیت پلتفرم‌هایی را که تهدیدی برای امنیت ملی تلقی می‌شوند، محدود یا ممنوع کند. تیک‌تاک یکی از اهداف اصلی این لایحه بود. در جهت مقابل ایالات متحده از پلتفرم‌های داخلی خود نظیر گوگل و فیسبوک به‌عنوان ابزارهای دیپلماتیک و قدرت نرم استفاده می‌کند. این پلتفرم‌ها، با گسترش نفوذ فرهنگی و اقتصادی آمریکا در سراسر جهان، به دولت این کشور در پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی کمک می‌کنند. حمایت‌های گسترده دولتی از این شرکت‌ها، از طریق تسهیلات مالیاتی و همکاری با آژانس‌های امنیتی، نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک آن‌ها در سیاست خارجی آمریکاست. (Zuboff, 2019: 120) ایالات متحده همچنین تلاش کرده است تا از ابزارهای قانونی و اقتصادی برای محدودسازی دسترسی پلتفرم‌های خارجی به بازارهای جهانی استفاده کند. به‌عنوان مثال، در پرونده‌های مرتبط با هواوی، ایالات متحده نه تنها محدودیت‌هایی بر واردات محصولات این شرکت اعمال کرد، بلکه فشار دیپلماتیک بر متحدان خود وارد کرد تا استفاده

¹⁴ RESTRICT Act: Restricting the Emergence of Security Threats that Risk Information and Communications Technology

از تجهیزات این شرکت را متوقف کنند. این رویکرد ترکیبی از سیاست‌های امنیتی و اقتصادی است که با هدف تقویت برتری فناوری آمریکایی در مقابل رقبا دنبال می‌شود. در عرصه جهانی نیز ایالات متحده از نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان تجارت جهانی و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی برای حمایت از پلتفرم‌های داخلی و مقابله با سیاست‌های محدودکننده سایر کشورها استفاده می‌کند. این کشور از طریق مذاکرات و توافق‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه تلاش کرده است تا قوانین بین‌المللی را به نفع پلتفرم‌های خود تنظیم کند. به‌عنوان مثال، فشار ایالات متحده برای گنجاندن اصول حفاظت از داده‌ها و تجارت الکترونیک در توافق‌نامه‌های تجاری، نشان‌دهنده رویکرد فراگیر این کشور در حمایت از پلتفرم‌های دیجیتال داخلی است (OECD, 2021: 28). از سوی دیگر ایالات متحده در برابر سیاست‌های محدودکننده برخی کشورها، نظیر چین و روسیه، موضع‌گیری کرده و تلاش دارد از طریق قدرت نرم و ابزارهای حقوقی، ارزش‌های مرتبط با آزادی اینترنت و رقابت آزاد را ترویج دهد. با این حال، این رویکرد گاهی با انتقاداتی روبه‌رو شده است، زیرا برخی از این سیاست‌ها به‌طور مستقیم از منافع اقتصادی پلتفرم‌های آمریکایی حمایت می‌کنند و تناقضاتی را در ادعاهای این کشور درباره آزادی اینترنت ایجاد می‌کنند (Bracha & Pasquale, 2008: 1167). در مجموع، سیاست‌های خارجی ایالات متحده در تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال، بازتاب‌دهنده اهداف استراتژیک این کشور در تقویت قدرت فناوری و اقتصادی، مقابله با تهدیدات خارجی و پیشبرد ارزش‌های سیاسی و فرهنگی خود در جهان است. این سیاست‌ها، اگرچه بر حفظ برتری فناوری آمریکایی متمرکز هستند، اما تأثیرات گسترده‌ای بر نظام جهانی تنظیم‌گری پلتفرم‌ها نیز داشته‌اند.

۳- رویکردهای جمهوری اسلامی ایران در تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال

به منظور بررسی مواجهه تنظیم‌گرانه جمهوری اسلامی ایران با پلتفرم‌های دیجیتال نیز مشابه بند قبلی در خصوص ایالات متحده، در این بند به تفکیک سیاست داخلی و خارجی کشور مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱- سیاست داخلی جمهوری اسلامی در تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال

جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر به ویژه پس از تشکیل شورای عالی فضای مجازی در سال ۱۳۹۰ به دستور رهبر انقلاب، تلاش کرده است تا با تدوین و اجرای سیاست‌های داخلی در حوزه تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال، ضمن حفظ استقلال و حاکمیت ملی، فضای دیجیتال را به سمت اهداف توسعه‌ای و امنیتی خود هدایت کند. سیاست‌های داخلی ایران در این حوزه عمدتاً بر سه محور اصلی متمرکز است: تقویت زیرساخت‌های بومی، مدیریت و نظارت بر محتوای پلتفرم‌ها، و کاهش وابستگی به پلتفرم‌های خارجی. یکی از اسناد کلیدی که به‌عنوان چارچوب راهبردی تنظیم‌گری فضای مجازی در ایران شناخته می‌شود، سند تبیین الزامات شبکه ملی اطلاعات است. این سند با تأکید بر اهمیت استقلال زیرساختی، توسعه و تقویت شبکه‌های بومی را به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی کشور تعیین کرده است. بر اساس این سند، شبکه ملی اطلاعات باید به گونه‌ای طراحی شود که ضمن تضمین دسترسی ایمن و پایدار کاربران ایرانی، وابستگی به پلتفرم‌های خارجی به حداقل برسد. (سند تبیین الزامات شبکه ملی اطلاعات، مصوبه جلسه سی و پنجم مورخ ۲۰/۹/۱۳۹۵ شورای عالی فضای مجازی)

علاوه بر این برخی نمایندگان مجلس نیز در سال‌های اخیر اقدام به تدوین طرح‌هایی مانند طرح نظام تنظیم مقررات خدمات در فضای مجازی موسوم به طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی کرده‌اند. این طرح به طور خاص تلاش داشت تا چارچوبی

قانونی برای فعالیت پلتفرم‌های خارجی تعیین کند. بر اساس مفاد این طرح، پلتفرم‌های خارجی برای ادامه فعالیت در ایران باید سرورهای خود را به داخل کشور منتقل کرده و با قوانین داخلی ایران هماهنگ شوند. هرچند این طرح به دلیل نگرانی‌های عمومی درباره احتمال محدودسازی آزادی اینترنت با انتقادات گسترده‌ای مواجه شده، اما در بطن خود، هدفی را دنبال می‌کند که بسیاری از کشورهای دیگر نیز با استفاده از ابزارهای قانونی مشابه آن را محقق کرده‌اند.

در حوزه مدیریت و نظارت بر محتوا نیز قوانین و مصوبات متعددی به ویژه از منظر حفظ حریم خصوصی و جلوگیری از نقض حقوق دیگران وضع یا متناسب با نوآوری‌های فناورانه موجود به روز رسانی شده‌اند. سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی (۱۴۰۰)؛ الزامات پیشگیری و مقابله با نشر اطلاعات، اخبار و محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی (۱۳۹۹) و بسیاری مصوبات دیگر شورای عالی فضای مجازی؛ قانون تجارت الکترونیکی (۱۳۸۲) و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (۱۳۸۸) آیین نامه سجل قضایی (۱۳۹۸) و بسیاری از قوانین و مقررات دیگر را میتوان در این حوزه نام برد. (خوبیاری، ۱۴۰۳: ۱۳۰) نهادهای تخصصی متعددی نیز در حوزه‌های مختلف مرتبط با محتوای فعالیت پلتفرم‌ها در ایران تشکیل شده و فعالیت دارند. به عنوان نمونه سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی (ساترا) متولی تنظیم مقررات، اعطای پروانه و نظارت بر فعالیت حرفه‌ای بین رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر است (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۶) که این قبیل ساختارها فعالیت پلتفرم‌ها در ایران را با قواعد پیچیده‌تری مواجه می‌سازد.

با وجود این در عرصه‌ی عمل این قوانین و مقررات ضمن ایجاد برخی محدودیت‌ها و چالش‌ها برای پلتفرم‌های داخلی، توانایی ایجاد شرایط کافی برای اعمال حکمرانی لازم نسبت به پلتفرم‌های خارجی را پیدا نکرده و در نهایت دولت ایران وادار به ایجاد محدودیت در دسترسی به برخی از این پلتفرم‌ها به ویژه در حوزه شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها شده است. برای مثال در سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۸ میلادی) پس از امتناع تلگرام از انتقال سرورهای خود به داخل ایران و عدم همکاری با مراجع رسمی و قضایی در شناسایی مجرمین یا حذف محتوای غیرقانونی، این پلتفرم فیلتر شد. این اقدام به‌عنوان یکی از نقاط عطف سیاست‌های تنظیم‌گری ایران در فضای مجازی شناخته می‌شود. با این حال، عدم موفقیت پلتفرم‌های داخلی نظیر سروش و روبیکا در جایگزینی تلگرام در آن دوره، چالش‌هایی را در تحقق اهداف این سیاست‌ها ایجاد کرد (پیشماز و رکنی، ۱۴۰۲: ۴۷۳). محدودسازی دسترسی به اینستاگرام و اتساب در جریان آشوب‌های آبان ۱۳۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ نیز از دیگر اقدامات دولت در این زمینه بود که با وضعیت و آثار مشابهی مواجه شد.

یکی دیگر از محورهای سیاست داخلی ایران در تنظیم‌گری پلتفرم‌ها، حمایت از توسعه فناوری‌های بومی است. این رویکرد در قالب برنامه‌های توسعه‌ای کشور مورد توجه قرار گرفته بود. به عنوان نمونه مطابق بند (پ) ماده ۶۶ قانون برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف شده با مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی نسبت به تأمین زیرساخت‌های لازم برای توسعه اقتصاد رقومی (دیجیتال)، اعم از ارتباطی و اطلاعاتی (ابری) و ذخیره‌سازی و پردازش سریع برای حضور و رقابت در بازارهای داخلی و بین‌المللی، اقدام نماید. حمایت‌های مالیاتی و اعتباری از استارت‌آپ‌های داخلی و تخصیص منابع برای تحقیق و توسعه نیز از دیگر ابزارهای تشویقی در این حوزه هستند با این حال، سیاست‌های داخلی

ایران در تنظیم‌گری پلتفرم‌ها با چالش‌های متعددی نیز مواجه است. یکی از این چالش‌ها، نبود هماهنگی میان نهادهای مختلف مسئول در حوزه فضای مجازی است. به‌عنوان مثال، شورای عالی فضای مجازی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، و نهادهای قضایی، هر یک وظایف خاصی در این حوزه دارند، اما عدم هماهنگی میان آن‌ها موجب تداخل در سیاست‌گذاری و کاهش اثربخشی شده است. در مجموع، سیاست داخلی جمهوری اسلامی ایران در تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال، در عین حال که بر حفظ حاکمیت ملی و تقویت استقلال زیرساختی تأکید دارد، با چالش‌هایی در زمینه اجرای سیاست‌ها، حمایت از نوآوری، و جلب اعتماد عمومی روبه‌رو است. این سیاست‌ها نیازمند بازنگری و اصلاح در جهت تحقق اهداف توسعه‌ای و حکمرانی مطلوب در فضای مجازی هستند.

در سطح مقررگذاری نیز تشکیل کارگروه ویژه اقتصاد دیجیتال را باید یکی از مصوبات راهبردی دولت در حمایت و تقویت زیرساخت‌های دیجیتال در کشور و حمایت از سکوا (پلتفرم)ها و کسب و کارهای دیجیتال و فناوری پایه در کشور دانست. این کارگروه که مطابق مصوبه مورخ ۸/۱۰/۱۴۰۰ هیأت وزیران تشکیل شد، وظایفی همچون راهبری و هماهنگی امور مربوط به توسعه زیرساخت‌های اقتصاد دیجیتال، حمایت از سکوها و کسب و کارهای دیجیتال و فناوری پایه و برطرف کردن موانع فعالیت سکوهای ایرانی در سطح بین‌المللی را در اختیار این کارگروه قرار داده است. پیرو تشکیل این کارگروه مصوبات متعددی به منظور انجام این وظایف از سوی کارگروه به تصویب رسید.

۳-۲- سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی در تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال

سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران در تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال، به طور عمده در راستای حفظ حاکمیت ملی، مقابله با تهدیدات امنیتی، و توسعه روابط دیپلماتیک دیجیتال تنظیم شده‌اند. با توجه به ماهیت فرامرزی فضای مجازی و تأثیر گسترده آن بر امنیت ملی، ایران تلاش کرده است تا از ابزارهای حقوقی، سیاسی، و فنی برای مدیریت و تنظیم‌گری در این حوزه استفاده کند. یکی از مهم‌ترین رویکردهای ایران در سیاست‌های خارجی، همکاری با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی برای ایجاد چارچوب‌های حقوقی و تقویت دیپلماسی سایبری است. جمهوری اسلامی ایران از طریق عضویت در نهادهایی نظیر اتحادیه بین‌المللی مخابرات^{۱۵} و سازمان همکاری اسلامی^{۱۶} تلاش کرده است تا بر تدوین مقررات بین‌المللی در حوزه فضای مجازی تأثیر بگذارد. به‌عنوان مثال، ایران در سال‌های اخیر بارها بر اهمیت تدوین چارچوب‌های بین‌المللی برای نظارت بر فعالیت پلتفرم‌های دیجیتال تأکید کرده است. علاوه بر این، ایران به دنبال تقویت همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه تنظیم‌گری فضای مجازی بوده است. در این راستا، همکاری با کشورهای نظیر روسیه و چین در زمینه امنیت سایبری و تنظیم‌گری پلتفرم‌ها، از جمله تلاش‌های ایران برای ایجاد اتحادیه منطقه‌ای در برابر هژمونی فناوری غرب است. به‌عنوان مثال توافقنامه همکاری میان ایران و روسیه در سال ۲۰۲۱ در زمینه امنیت اطلاعات شامل حوزه‌های امنیت سایبری و همچنین مفاد ماده ۱۱ معاهده مشارکت جامع راهبردی بین دو کشور نشان‌دهنده عزم ایران برای ایجاد چارچوب‌های منطقه‌ای در مدیریت فضای مجازی است. یکی دیگر از محورهای سیاست خارجی ایران در این حوزه، تلاش برای ایجاد و توسعه زیرساخت‌های مستقل منطقه‌ای است. به‌عنوان نمونه، ایران در سال‌های اخیر پروژه‌هایی نظیر شبکه مستقل

¹⁵ International Telecommunication Union (ITU)

¹⁶ Organisation of Islamic Cooperation (OIC)

ارتباطات منطقه‌ای را پیشنهاد داده است که هدف آن ایجاد بستری برای تبادل داده میان کشورهای عضو و کاهش وابستگی به شبکه‌های تحت کنترل غربی است. سیاست خارجی ایران همچنین به مدیریت روابط با پلتفرم‌های بین‌المللی می‌پردازد. ایران بارها از پلتفرم‌های خارجی نظیر واتساپ، اینستاگرام، و تلگرام خواسته است تا با قوانین داخلی کشور همسو شوند، اما مقاومت این پلتفرم‌ها و نبود چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی مؤثر، موجب محدودیت در تحقق اهداف ایران شده است. برای مثال، در سال ۲۰۱۸، پس از عدم همکاری تلگرام در انتقال سرورها به داخل ایران، این پلتفرم مسدود شد که بازتاب‌های گسترده‌ای در سطح بین‌المللی داشت (پیشماز و رکنی، ۱۴۰۲: ۴۷۰).

از منظر حقوق بین‌الملل، ایران بارها در مجامع جهانی بر لزوم احترام به حاکمیت ملی در فضای مجازی تأکید کرده است. یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های این رویکرد، مشارکت ایران در تدوین ابتکار جهانی برای امنیت سایبری و استفاده صلح‌آمیز از فناوری اطلاعات در سازمان ملل متحد است. این ابتکار، که هدف آن ایجاد چارچوب‌های حقوقی برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های سایبری است، مورد حمایت ایران قرار گرفته است. در نهایت، سیاست خارجی ایران در حوزه تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال با چالش‌هایی نظیر تحریم‌های اقتصادی و فناوری مواجه است. این محدودیت‌ها، توانایی ایران را در توسعه زیرساخت‌های بومی و تعامل مؤثر با پلتفرم‌های بین‌المللی کاهش داده است. با این حال، ایران همچنان تلاش می‌کند تا از طریق توسعه روابط منطقه‌ای و بین‌المللی، استقلال دیجیتال خود را تقویت کند و تأثیرگذاری بیشتری بر مقررات جهانی فضای مجازی داشته باشد.

۴- مقایسه تطبیقی رویکردهای ایران و آمریکا در تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال

بر اساس بررسی‌های انجام شده مشخص شد که اولاً هر دو کشور ایران و ایالات متحده اهداف مشترکی در تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال دنبال می‌کنند. این اهداف شامل حفاظت از حاکمیت ملی، تضمین امنیت سایبری و حمایت از حقوق کاربران است. ایالات متحده، به‌عنوان کشوری که بسیاری از پلتفرم‌های بزرگ دیجیتال در آن مستقر هستند، سیاست‌های خود را برای حفظ موقعیت پیشرو در اقتصاد دیجیتال و مقابله با تهدیدات خارجی تنظیم کرده است. از این منظر، محدودیت‌هایی که این کشور بر پلتفرم‌هایی نظیر تیک‌تاک اعمال کرده، نشان‌دهنده اولویت امنیت ملی در سیاست‌گذاری آمریکاست (Chander, 2025: 755) ایران نیز با وجود محدودیت‌های اقتصادی و فناورانه، اهداف مشابهی را دنبال می‌کند. تدوین اسناد بالادستی مانند سند تبیین الزامات شبکه ملی اطلاعات و اجرای طرح‌های نظارتی بر پلتفرم‌های خارجی، گام‌هایی در راستای حفظ حاکمیت ملی و امنیت سایبری بوده است. با این حال، اجرای این سیاست‌ها به دلیل ضعف در زیرساخت‌های بومی و مقاومت پلتفرم‌های خارجی، چالش‌های متعددی را ایجاد کرده است. ثانیاً هر دو کشور با چالش‌هایی مشابه در زمینه تنظیم‌گری مواجه هستند. ایالات متحده با انتشار گسترده اطلاعات نادرست و اخبار جعلی، به‌ویژه در پلتفرم‌هایی نظیر توئیتر و فیسبوک، روبه‌رو بوده است. این مشکل در جریان انتخابات ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ به یکی از تهدیدات اساسی علیه نظام دموکراتیک آمریکا تبدیل شد. در پاسخ به این چالش، قوانین و سیاست‌هایی برای الزام پلتفرم‌ها به شفاف‌سازی منبع اخبار و حذف اطلاعات جعلی وضع شده است (Zuboff, 2019: 112). ایران نیز با چالش انتشار اخبار جعلی و محتوای مضر در شبکه‌های اجتماعی خارجی مواجه است. این مسئله به‌ویژه در مواردی نظیر اعتراضات اجتماعی و بحران‌های سیاسی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اما تفاوت در ابزارهای مورد استفاده دو کشور برای مقابله با این چالش‌ها مشهود

است؛ در حالی که آمریکا از ابزارهای قانونی و فنی بهره می‌برد، ایران به محدودسازی یا مسدودسازی پلتفرم‌ها متوسل شده است. برای مثال، فیلترینگ تلگرام در سال ۲۰۱۸ نمونه‌ای از این رویکرد است که تأثیرات آن هنوز محل بحث است (پیشنامز و رکنی، ۱۴۰۲: ۴۷۳). ثالثاً در رابطه با میزان سخت‌گیری و نوع مقررات این دو کشور باید گفت ایالات متحده، با وجود اینکه خطرات امنیتی و فرهنگی کمتری از سوی پلتفرم‌های خارجی متوجه آن است، سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری را در مقایسه با ایران اتخاذ کرده است. این سخت‌گیری به‌ویژه در زمینه مقررات ضدانحصار و مدیریت داده‌ها مشهود است. پرونده‌های ضدانحصار علیه گوگل و آمازون نمونه‌های بارزی از تلاش‌های آمریکا برای جلوگیری از قدرت انحصاری پلتفرم‌ها هستند. در پرونده گوگل در سال ۲۰۲۰، این شرکت متهم به سوءاستفاده از داده‌ها و ایجاد رقابت ناعادلانه شد و ملزم به تغییر رویه‌های مدیریتی شد. در مقابل ایران اگرچه با تهدیدات بیشتری در حوزه امنیت سایبری و فرهنگی مواجه است، اما ابزارهای محدودی برای تنظیم‌گری پلتفرم‌ها در اختیار دارد. بسیاری از سیاست‌های ایران نظیر مسدودسازی تلگرام یا محدودیت‌های اعمال‌شده بر واتساپ و اینستاگرام، به دلیل عدم وجود چارچوب‌های جامع قانونی و ضعف در هماهنگی نهادی، از اثربخشی کمتری برخوردار بوده‌اند. رابعاً تعامل با پلتفرم‌های خارجی یکی دیگر از تفاوت‌های کلیدی میان رویکردهای ایران و آمریکا است. ایالات متحده، با استفاده از ابزارهای حقوقی و اقتصادی، توانسته است پلتفرم‌های خارجی را به رعایت قوانین داخلی ملزم کند. برای مثال، قانون حفاظت از حریم خصوصی کودکان در فضای آنلاین (COPPA) تمام پلتفرم‌های خارجی را ملزم می‌کند که الزامات سخت‌گیرانه‌ای در جمع‌آوری و مدیریت داده‌های کاربران زیر ۱۳ سال رعایت کنند. در مقابل ایران به دلیل عدم همکاری پلتفرم‌های خارجی با قوانین داخلی و نبود ابزارهای حقوقی بین‌المللی مؤثر، در تحقق اهداف خود موفقیت کمتری داشته است. برای مثال، تلاش‌های ایران برای الزام تلگرام به انتقال سرورها به داخل کشور به نتیجه نرسید و در نهایت منجر به مسدودسازی این پلتفرم شد. این رویکرد نه تنها اعتماد عمومی را کاهش داد، بلکه جایگزین‌های داخلی نیز نتوانستند انتظارات کاربران را برآورده کنند (پیشنامز و رکنی، ۱۴۰۲: ۴۷۵). خامساً یکی دیگر از تفاوت‌های اصلی میان ایران و آمریکا در استفاده از ابزارهای دیپلماتیک برای تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال است. ایالات متحده از نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان تجارت جهانی (WTO) و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) برای حمایت از پلتفرم‌های داخلی و مقابله با محدودیت‌های سایر کشورها استفاده می‌کند. این کشور همچنین با وضع تعرفه‌های اقتصادی و تحریم‌های فناوری، رقبا را تحت فشار قرار می‌دهد. برای مثال، تحریم‌های اعمال‌شده علیه هوای نشان‌دهنده این رویکرد است (OECD, 2021: 28). ایران نیز تلاش‌هایی در این زمینه انجام داده است، اما به دلیل محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های اقتصادی و فناوری، توانایی کمتری در بهره‌گیری از ابزارهای بین‌المللی داشته است. در عوض، ایران بر همکاری‌های منطقه‌ای نظیر توافقنامه‌های امنیت سایبری با روسیه و چین تأکید کرده است. در نهایت می‌توان گفت ایالات متحده، با وجود اثرپذیری کمتر از تهدیدات پلتفرم‌های خارجی، سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری را در پیش گرفته است. در مقابل ایران با وجود تهدیدات گسترده‌تر، ابزارهای محدودتری برای تنظیم‌گری در اختیار داشته است. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده ضرورت تقویت چارچوب‌های حقوقی و فنی در ایران و استفاده از تجربیات بین‌المللی برای بهبود حکمرانی در فضای مجازی است.

۵- مقایسه مواجهه تنظیم‌گرانه ایران و ایالات متحده در عمل

پس از آشنایی با رویکرد دو کشور در تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال که عمدتاً در اسناد هنجاری آنها منعکس شده است، حال نوبت به ارزیابی مواجهه تنظیم‌گرانه آنها در عمل می‌رسد.

۵-۱- آمریکا: تیک‌تاک و هوای

ایالات متحده در سال‌های اخیر، اقدامات سخت‌گیرانه‌ای علیه پلتفرم‌ها و شرکت‌های چینی مانند تیک‌تاک و هوای به اجرا گذاشته است. این اقدامات که به دلیل نگرانی‌های امنیتی و رقابتی انجام شده‌اند، نشان‌دهنده سیاست‌های سخت‌گیرانه آمریکا در تنظیم‌گری پلتفرم‌های خارجی است. تیک‌تاک، یکی از محبوب‌ترین پلتفرم‌های ویدیویی جهان، با بیش از ۱۵۰ میلیون کاربر در ایالات متحده، به دلیل ارتباط احتمالی با دولت چین و نگرانی از انتقال داده‌های کاربران آمریکایی به خارج از کشور، هدف انتقادات شدید قرار گرفت. در سال ۲۰۲۰، دولت ترامپ اقدام به صدور یک فرمان اجرایی برای ممنوعیت فعالیت تیک‌تاک در آمریکا کرد، با این ادعا که این پلتفرم تهدیدی جدی برای امنیت ملی آمریکا است. این ادعاها بر اساس نگرانی‌هایی درباره امکان دسترسی دولت چین به داده‌های کاربران آمریکایی و احتمال استفاده از این داده‌ها برای مقاصد جاسوسی مطرح شد (Chander, 2025: 750).

تیک‌تاک تلاش کرد تا با انتقال داده‌های کاربران به سرورهای مستقر در آمریکا و ارائه شفافیت در مورد الگوریتم‌ها و فرآیندهای خود، این نگرانی‌ها را کاهش دهد. با این حال، دولت آمریکا همچنان بر موضع خود اصرار داشت و حتی پیشنهاد فروش بخش چینی تیک‌تاک به یک شرکت آمریکایی نظیر اوراکل یا مایکروسافت را مطرح کرد. این پیشنهاد که با حمایت دولت همراه بود، بخشی از راهبرد گسترده‌تر آمریکا برای کاهش نفوذ چین در بازار دیجیتال جهانی تلقی می‌شود (Zuboff, 2019: 120؛ OECD 2021: 24).

هوای نیز یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات جهان، نیز هدف اقدامات سخت‌گیرانه آمریکا قرار گرفته است. از سال ۲۰۱۸، دولت ایالات متحده تحریم‌های شدیدی علیه هوای اعمال کرد و دسترسی این شرکت به فناوری‌های آمریکایی، نظیر تراشه‌ها و نرم‌افزارهای گوگل، را محدود ساخت. این اقدامات به دلیل نگرانی از استفاده احتمالی تجهیزات هوای برای جاسوسی توسط دولت چین انجام شد. آمریکا ادعا کرد که هوای با دولت چین همکاری نزدیکی دارد و تجهیزات این شرکت می‌تواند به عنوان ابزاری برای دسترسی غیرمجاز به شبکه‌های مخابراتی و داده‌های حساس کشورهای دیگر مورد استفاده قرار گیرند. یکی از مهم‌ترین اقدامات آمریکا علیه هوای، ممنوعیت استفاده از تجهیزات این شرکت در زیرساخت‌های مخابراتی نسل پنجم (5g) بود. دولت آمریکا همچنین از متحدان خود، به‌ویژه کشورهای اروپایی، خواست تا از تجهیزات هوای در پروژه‌های 5g خود استفاده نکنند. این اقدام که بخشی از جنگ فناوری میان آمریکا و چین تلقی می‌شود، تأثیرات گسترده‌ای بر فعالیت‌های هوای در سطح جهانی داشت و موقعیت این شرکت را در بازارهای بین‌المللی تضعیف کرد. (OECD, 2021: 26) اقدامات آمریکا علیه تیک‌تاک و هوای بر مبنای قوانین و مقررات داخلی این کشور، نظیر قانون اختیارات اقتصادی در شرایط اضطراری بین‌المللی^{۱۷} و قانون تجارت با دشمن^{۱۸} توجیه شده است. این قوانین به دولت اجازه می‌دهند تا در شرایطی که امنیت ملی یا منافع اقتصادی آمریکا در خطر است، محدودیت‌هایی بر فعالیت شرکت‌های خارجی اعمال کند. همچنین، ایالات متحده از ابزارهای دیپلماتیک نظیر اعمال

¹⁷ International Emergency Economic Powers Act (IEEPA)

¹⁸ Trading with the Enemy Act (TWEA)

فشار بر سازمان تجارت جهانی (WTO) و همکاری با متحدان خود برای محدودسازی نفوذ چین در عرصه فناوری بهره برده است (Chander, 2025: 752)؛ (Zuboff, 2019: 121) اقدامات آمریکا علیه تیک تاک و هواوی، هرچند با انتقاداتی در زمینه نقض اصول تجارت آزاد و محدودسازی رقابت همراه بوده است، اما تأثیرات قابل توجهی بر کاهش نفوذ چین در بازار فناوری و تقویت امنیت سایبری آمریکا داشته است. این سیاست‌ها همچنین نشان‌دهنده عزم آمریکا برای تنظیم‌گری سخت‌گیرانه‌تر در برابر پلتفرم‌ها و شرکت‌های خارجی است، حتی اگر این اقدامات هزینه‌هایی برای اقتصاد دیجیتال داخلی به همراه داشته باشد.

۵-۲- ایران: تلگرام، واتساپ و اینستاگرام

جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با پلتفرم‌های بین‌المللی مانند تلگرام، واتساپ و اینستاگرام، سیاست‌های مختلفی از جمله محدودسازی و فیلترینگ را اعمال کرده است. این اقدامات در پاسخ به چالش‌هایی مانند نقض قوانین داخلی و بین‌المللی، ترویج محتوای آسیب‌زا، و مداخلات سیاسی و فرهنگی پلتفرم‌ها در امور داخلی ایران انجام شده است. تلگرام یکی از پلتفرم‌های پرکاربرد در ایران بود که تا پیش از مسدودسازی در سال ۲۰۱۸، ۲۰ میلیون‌ها کاربر ایرانی از آن استفاده می‌کردند. با این حال، این پلتفرم به دلیل امتناع از انتقال سرورهای خود به داخل ایران و همکاری نکردن در حذف محتوای غیرقانونی، به یکی از چالش‌های امنیتی برای دولت ایران تبدیل شد. به‌ویژه در جریان اعتراضات سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، تلگرام به بستری برای سازماندهی اعتراضات و انتشار گسترده اخبار جعلی تبدیل شد که به‌زعم مقامات ایران، امنیت ملی را به خطر انداخت.

علاوه بر این، تلگرام با عدم رعایت اصول پذیرفته‌شده حقوقی، مانند حفاظت از داده‌های کاربران، موجب نگرانی‌های بیشتری شد. به‌عنوان مثال، گزارش‌های متعددی درباره انتشار داده‌های کاربران بدون رضایت آن‌ها منتشر شد که با اصول حفاظت از حریم خصوصی در تعارض بود. (Chander, 2025: 756) واتساپ نیز به‌عنوان یکی دیگر از پلتفرم‌های مورد استفاده گسترده در ایران، با چالش‌هایی مشابه تلگرام مواجه بوده است. این پلتفرم، که مالکیت آن در اختیار شرکت متا (فیسبوک سابق) قرار دارد، به دلیل عدم همکاری با قوانین ایران و امتناع از ایجاد شفافیت در الگوریتم‌ها و مدیریت محتوا، مورد انتقاد قرار گرفته است. در چندین مورد، محتوای مرتبط با نفرت‌پراکنی و ترویج خشونت از طریق واتساپ منتشر شده است که نه تنها با اصول اخلاقی، بلکه با هنجارهای بین‌المللی مانند کنوانسیون مبارزه با جرایم سایبری بوداپست نیز در تعارض است. (OECD, 2021: 30) با وجود این چالش‌ها، ایران رویکرد سخت‌گیرانه‌ای نسبت به واتساپ اتخاذ نکرده و تنها به هشدارها و محدودسازی‌های محدود بسنده کرد. این رویکرد دوگانه، که ناشی از تغییرات سیاستی و نبود یک برنامه منسجم است، موجب کاهش اثربخشی اقدامات تنظیم‌گری شده است. به‌عنوان مثال به موجب مصوبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۴ شورای عالی فضای مجازی محدودیت این پلتفرم رفع گردید اما پس از تهاجم نظامی رژیم صهیونیستی علیه مردم و سرزمین ایران در خرداد ماه ۱۴۰۴، بهره‌برداری منفی از این پلتفرم منجر به مسدودسازی مجدد آن گردید. همچنین اینستاگرام، به‌عنوان یکی از محبوب‌ترین شبکه‌های اجتماعی در ایران، نقش مهمی در اقتصاد دیجیتال کشور ایفا کرده است. با این حال، این پلتفرم نیز به دلیل انتشار محتوای غیراخلاقی، ترویج سبک زندگی غربی، و نقض قوانین داخلی، با چالش‌هایی مواجه بوده است. به‌ویژه در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱، اینستاگرام به بستری برای انتشار محتوای تحریک‌آمیز تبدیل شد که مداخلات خارجی در امور داخلی ایران را تسهیل کرد که منجر به محدودسازی دسترسی به آن گردید.

در عین حال، عدم توانایی ایران در ارائه جایگزین‌های مناسب و همزمان، استفاده گسترده کسب‌وکارهای خرد از اینستاگرام، سیاست‌های محدودسازی را با مشکلاتی روبه‌رو کرده (پیشماز و رکنی، ۱۴۰۲: ۴۸۰) و موانعی نیز برای حقوق کاربران به ویژه فعالیت‌های مولد اقتصادی یا آموزشی در این حوزه ایجاد کرده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های ایران در تنظیم‌گری این پلتفرم‌ها، مداخلات خارجی و نقض اصول حقوقی پذیرفته‌شده بین‌المللی توسط این شرکت‌ها است. تلگرام، واتساپ و اینستاگرام با ارائه بستری برای فعالیت گروه‌های معاند و انتشار گسترده اطلاعات نادرست، موجب افزایش تنش‌های داخلی و بی‌ثباتی اجتماعی شده‌اند. این اقدامات، که در تعارض با احترام به استقلال حاکمیت‌ها مذکور در بند ۱ ماده ۲ منشور ملل متحد و اصول مندرج در بندهای ۳ ماده ۱۹ و ۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی جهانی حقوق بشر و برخی اسناد دیگر بین‌المللی است، باعث شد که ایران اقدامات سخت‌گیرانه‌ای نظیر مسدودسازی را در دستور کار قرار دهد. یکی از نکات قابل توجه در تنظیم‌گری پلتفرم‌ها، نقش فعال پلتفرم‌های خارجی در تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های داخلی کشورها است. تلگرام، اینستاگرام، و واتساپ در ایران، به جای پذیرش الزامات قانونی داخلی، از حمایت دولت‌های میزبان خود نظیر ایالات متحده، بهره‌مند شدند. این پلتفرم‌ها نه تنها با مقاومت در برابر انتقال سرورها به داخل کشور یا رعایت قوانین بومی، سیاست‌های ایران را به چالش کشیدند، بلکه در مواردی با ارائه بستری برای انتشار اطلاعات نادرست یا سازماندهی اعتراضات، به‌طور مستقیم بر تصمیم‌گیری دولت ایران تأثیر گذاشتند. این رفتار حقوق کاربران ایرانی را تحت الشعاع قرار داد. به‌عنوان مثال، فیلترینگ تلگرام و محدودیت‌های اعمال‌شده بر اینستاگرام، به دلیل عدم همکاری این پلتفرم‌ها با الزامات ایران، موجب شد که کسب‌وکارهای کوچک و کاربران عادی، دسترسی خود را به این ابزارها از دست بدهند. این مسئله نشان‌دهنده عدم تعهد پلتفرم‌ها به کاربران خود در کشورهایی است که از حمایت‌های قوی قانونی برخوردار نیستند (Chander, 2025: 753)؛ (پیشماز و رکنی، ۱۴۰۲: ۴۷۵) نکته شایان ذکر دیگر، استانداردهای دوگانه‌ای است که توسط دولت‌های میزبان این پلتفرم‌ها، به‌ویژه ایالات متحده، اعمال می‌شود. ایالات متحده، از یک سو پلتفرم‌های خارجی نظیر تیک‌تاک را به رعایت الزامات سخت‌گیرانه‌ای مانند ذخیره داده‌های کاربران در داخل کشور و شفافیت الگوریتم‌ها ملزم کرده است، اما از سوی دیگر، همین استانداردها را برای فعالیت پلتفرم‌های آمریکایی در کشورهای دیگر اعمال نمی‌کند. برای مثال، واتساپ و اینستاگرام، که تحت مالکیت شرکت متا قرار دارند، با وجود انتشار محتوای مخرب و نقض قوانین داخلی ایران، از حمایت کامل دولت آمریکا برخوردار بوده‌اند و هیچ‌گونه الزامی برای تطابق با قوانین ایران نپذیرفته‌اند (Zuboff, 2019: 121)؛ (OECD, 2021: 28). این رفتار دوگانه، علاوه بر ایجاد بی‌اعتمادی میان دولت‌ها و کاربران در کشورهای هدف، نشان‌دهنده سوءاستفاده از موقعیت برتر فناوری برای تأثیرگذاری ژئوپلیتیکی است. به‌عنوان مثال، حمایت آمریکا از فعالیت آزاد پلتفرم‌های خود در ایران، همزمان با اعمال محدودیت‌های شدید بر پلتفرم‌های چینی نظیر تیک‌تاک، تناقض آشکاری را در سیاست‌های این کشور نمایان می‌سازد. این اقدامات، اصول عدالت در نظام بین‌المللی را به چالش کشیده و نشان می‌دهد که پلتفرم‌ها به‌عنوان ابزارهای سیاست خارجی در خدمت منافع دولت‌های میزبان قرار دارند. همچنین دوگانگی در برخورد با پلتفرم‌ها، تأثیرات گسترده‌ای بر حقوق کاربران ایرانی داشته است. از یک سو عدم همکاری پلتفرم‌ها با قوانین داخلی ایران و حمایت دولت‌های میزبان، موجب شده که این پلتفرم‌ها به نقض گسترده حقوق کاربران، از جمله حق دسترسی به اطلاعات و حفظ حریم خصوصی، ادامه دهند. از سوی دیگر، اقدامات محدودکننده دولت ایران، نظیر فیلترینگ

تلگرام و محدودسازی اینستاگرام، دسترسی کاربران به خدمات دیجیتال را کاهش داده و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی را محدود کرده است (پیشنامز و رکنی، ۱۴۰۲: ۴۸۰).

نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر مقایسه‌ای کلان از رویکردهای جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده در اعمال حکمرانی و تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال ارائه داد و نشان داد که تنظیم‌گری این حوزه به دلیل ماهیت پیچیده و تأثیرات گسترده آن، یکی از مهم‌ترین چالش‌های حکمرانی در دنیای امروز است. پلتفرم‌های دیجیتال با گسترش نفوذ خود در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، به قدرت‌هایی تبدیل شده‌اند که حتی بر فرآیندهای حاکمیتی کشورها تأثیر می‌گذارند. از این‌رو تنظیم‌گری این فضا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که بدون ایجاد چارچوب‌های مناسب، حاکمیت ملی، امنیت سایبری، و حقوق کاربران در معرض تهدید قرار می‌گیرد. ایالات متحده، به‌عنوان یکی از پیشگامان فناوری اطلاعات و محل استقرار بسیاری از پلتفرم‌های بزرگ جهانی، سیاست‌های تنظیم‌گرانه‌ای پیشرفته و سخت‌گیرانه‌ای را اجرا کرده است. این سیاست‌ها بر اساس قوانین داخلی قدرتمند نظیر قانون حفاظت از حریم خصوصی کودکان (COPPA) یا سایر قوانین مرتبط با حوزه‌های اقتصادی و ضد انحصار تنظیم شده‌اند. در این کشور، ابزارهای قانونی و دیپلماتیک برای تضمین امنیت ملی و حمایت از رقابت عادلانه به کار گرفته می‌شوند. پرونده‌های ضد انحصار علیه گوگل و آمازون و محدودیت‌های اعمال‌شده بر تیک‌تاک و هواوی نمونه‌های بارزی از این سیاست‌ها هستند. همچنین رویکرد آمریکا در تعامل با پلتفرم‌های خارجی، نظیر الزام به شفافیت الگوریتم‌ها و ذخیره داده‌ها در سرورهای داخلی، نشان‌دهنده عزم جدی این کشور برای تنظیم‌گری کارآمد است. با این حال، آمریکا به دلیل موقعیت برتر خود در فناوری، استانداردهای دوگانه‌ای را اعمال کرده و پلتفرم‌های بومی خود را در برابر قوانین کشورهای دیگر محافظت کرده است. در مقابل ایران با چالش‌های پیچیده‌تری در حوزه تنظیم‌گری مواجه است. از یک سو تهدیدات امنیتی و فرهنگی ناشی از فعالیت پلتفرم‌های خارجی، نظیر تلگرام، اینستاگرام و واتساپ، و از سوی دیگر، فقدان زیرساخت‌های حقوقی و فنی جامع، موجب شده است که سیاست‌های تنظیم‌گرانه ایران از اثربخشی کمتری برخوردار باشد. اقدامات ایران، نظیر مسدودسازی تلگرام و اعمال محدودیت بر اینستاگرام، اگرچه با هدف حفظ حاکمیت ملی و کاهش تهدیدات انجام شده‌اند، اما به دلیل نبود هماهنگی نهادی و ضعف در جایگزین‌های داخلی، تأثیرات محدودی داشته‌اند. در مقایسه رویکرد دو کشور، تفاوت‌های کلیدی در میزان سخت‌گیری، نوع ابزارهای به کار رفته، و تعامل با پلتفرم‌های خارجی مشهود است. آمریکا با وجود تهدیدات کمتر، سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری را اعمال کرده است و توانسته پلتفرم‌ها را به رعایت الزامات داخلی ملزم کند. در مقابل ایران با وجود تهدیدات گسترده‌تر، به دلیل نبود ابزارهای حقوقی و فنی پیشرفته، در مواجهه با پلتفرم‌های خارجی کمتر موفق بوده است. یکی از دلایل اصلی این تفاوت، حمایت دولت‌های میزبان از پلتفرم‌های خود و اعمال استانداردهای دوگانه در مواجهه با سایر کشورها است. پلتفرم‌های خارجی نظیر اینستاگرام و واتساپ، با بهره‌گیری از این حمایت‌ها، الزامات ایران را نادیده گرفته و در مواردی، به‌عنوان ابزارهای مداخله در امور داخلی کشور عمل کرده‌اند. از منظر مشارکت بخش خصوصی و نهادهای مدنی در ارتقای تنظیم‌گری پلتفرم‌ها نیز ایران در ابتدای راه قرار دارد. در حالی که در ایالات متحده با توجه

به پیشرفت‌های بخش خصوصی در این حوزه، شرکت‌های متعدد حوزه فناوری عملاً به ابزاری کمکی به منظور اعمال حکمرانی داخلی بهتر و همچنین توسعه نقش‌آفرینی و اعمال نفوذ در سطح بین‌المللی مبدل شده‌اند. باید توجه داشت هرگونه توسعه چه در بخش خصوصی و اقتصادی و چه در نقش‌آفرینی نهادهای مدنی و واسط در کشور علاوه بر تقویت توان‌ها در توسعه پلتفرم‌های داخلی و همراهی هرچه بیشتر مردم با پلتفرم‌های داخلی، می‌تواند ابزارهای کمکی و همراهان خصوصی و غیر دولتی حاکمیت را در صیانت از منافع و حقوق ملی در این زمینه تقویت نماید. در حوزه‌ی حقوق کاربران نیز سیاست‌های ایران و آمریکا نیز تفاوت‌های معناداری دارند. در آمریکا، قوانین سخت‌گیرانه‌ای برای حفاظت از حقوق کاربران وضع و اجرا شده است، در حالی که در ایران به دلیل محدودیت‌های موجود و نبود چارچوب‌های حمایتی جامع، حقوق کاربران در برخی موارد تحت تأثیر منفی و عدم امکان حمایت مؤثر قرار گرفته است.

تحلیل رویکردهای ایران و آمریکا نشان می‌دهد که تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال نیازمند چارچوب‌های قانونی شفاف، ابزارهای حقوقی و فنی پیشرفته، بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌های بین‌المللی و سایر مؤلفه‌های قدرت و تعامل مؤثر با پلتفرم‌ها است. در این راستا، ایران می‌تواند از تجربیات موفق بین‌المللی، نظیر قانون خدمات دیجیتال اتحادیه اروپا و سیاست‌های اقتصادی و امنیتی آمریکا بهره‌برداری کند و چارچوبی جامع و هماهنگ برای تنظیم‌گری ایجاد کند. این چارچوب باید شامل الزام پلتفرم‌ها به رعایت قوانین داخلی، حمایت از حقوق کاربران، و توسعه زیرساخت‌های بومی باشد. همچنین، نقش دیپلماسی سایبری در تعامل با پلتفرم‌های خارجی و جلب حمایت نهادهای بین‌المللی برای تدوین مقررات جهانی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

در حوزه پیشنهادات نخستین گام، تقویت چارچوب‌های حقوقی است که بتواند با تحولات فناوری همگام شود و مبنایی مستحکم برای تعامل با پلتفرم‌های داخلی و خارجی ایجاد کند. یا باید قوانین مختلف موجود در حوزه‌های خصوصی، کیفری و عمومی متناسب با اقتضائات زیست مجازی به‌روزرسانی شوند تا خلأهای موجود در موضوعاتی نظیر مسئولیت پلتفرم‌ها، حفاظت از داده‌ها، و نظارت بر محتوای دیجیتال پوشش داده شوند و یا تدوین قانونی جامع با در نظر گرفتن تجربیات موفق بین‌المللی قواعد حکمرانی را در این زمینه تقویت نماید.

در گام بعدی، تقویت دیپلماسی سایبری به‌عنوان ابزاری حیاتی برای تعامل با پلتفرم‌های خارجی ضروری است. ایران باید از ظرفیت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، به‌ویژه در چارچوب سازمان‌هایی نظیر اتحادیه بین‌المللی مخابرات و سازمان همکاری اسلامی، برای جلب حمایت در برابر سیاست‌های دوگانه پلتفرم‌ها استفاده کند. تلاش برای تدوین مقررات جهانی و الزام پلتفرم‌ها به رعایت قوانین داخلی کشورها می‌تواند زمینه‌ساز تعامل سازنده با این شرکت‌ها باشد.

از سوی دیگر، تقویت زیرساخت‌های بومی یکی از الزامات اساسی تنظیم‌گری است. توسعه پلتفرم‌های داخلی که بتوانند جایگزین‌های مناسبی برای پلتفرم‌های خارجی باشند، نیازمند سرمایه‌گذاری گسترده در حوزه فناوری اطلاعات، تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان، و حمایت از استارت‌آپ‌های داخلی است. ایجاد بسترهای مناسب برای رقابت عادلانه میان پلتفرم‌های داخلی و خارجی، می‌تواند به ارتقای کیفیت خدمات دیجیتال در کشور کمک کند. این امر مستلزم ارائه مشوق‌های مالیاتی، تسهیل دسترسی به فناوری‌های پیشرفته، و حمایت قانونی از نوآوری‌های بومی است.

در مرحله چهارم آموزش و آگاهی بخشی عمومی درباره حقوق دیجیتال و آثار مهم توسعه بومی در حوزه های فناورانه یکی از ابزارهای مهم برای حمایت از کاربران و بهبود تنظیم گری است. کاربران باید از حقوق خود در فضای مجازی آگاه باشند و بتوانند در برابر نقض این حقوق از سوی پلتفرم ها یا سایر کاربران واکنش نشان دهند. ایجاد سازوکارهای شفاف برای ارزیابی عملکرد پلتفرم ها و گزارش دهی منظم می تواند به ارتقای اعتماد عمومی به این نهادها کمک کند.

در نهایت ایجاد هماهنگی میان نهادهای مختلف تصمیم گیر و وجود ثبات در تصمیمات در حوزه فضای مجازی از دیگر الزامات مهم است. در حال حاضر، تعدد نهادهای تصمیم گیر و نبود هماهنگی کافی میان آنها، منجر به اقدامات متناقض و کاهش اثربخشی سیاست های تنظیم گری شده است. تشکیل یک نهاد مرکزی با اختیارات کافی برای تدوین و نظارت بر اجرای سیاست های کلان، می تواند به رفع این مشکل کمک کند. اجرای این پیشنهادات می تواند به ایران کمک کند تا ضمن حفظ حاکمیت ملی و حمایت از حقوق کاربران، جایگاه خود را در حکمرانی فضای مجازی تقویت کرده و فرصت های اقتصادی و اجتماعی جدیدی را در این حوزه فراهم آورد.

قبلی نشده | در انتظار انتشار | نسخه اولیه | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

منابع و مآخذ

1. اسماعیلی، محسن، حبیب‌نژاد، سید احمد و داودی، حدیثه. (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی دادرسی رسانه‌ای در نظام حقوقی ایران با نگاهی به مطالعات تطبیقی. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۷(۲۵)، ۷-۴۵. [doi: 10.22034/law.2024.2036740.1425](https://doi.org/10.22034/law.2024.2036740.1425)
2. بهادری، علی، فراهانی، محمدصادق، جعفریان، محمدمهدی، قاسمی‌پور، رضا (۱۴۰۳)، رویه‌های نوین ضدرقابتی در سک‌های فضای مجازی، *مطالعات حقوق عمومی*، ۵۳ (۱۶)، ۴۱-۶۳.
3. پیش‌نماز، سید امین، رکنی، امیرعباس (۱۴۰۲). تعطیلی پلتفرم‌های مجازی؛ ضرورت تحلیل نظام حاکم بر داده‌های شخصی، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۲۲(۵۵)، ۴۶۹-۵۰۶.
4. حسام، ابوالفضل، غلامعلی‌زاده، محمد (۱۴۰۲). مسئولیت مدنی بسترهای مجازی آنلاین در قبال اعمال کاربران، *فصلنامه حقوق اسلامی*، ۲۰ (۷۹)، ۱۴۵-۱۲۷.
5. خوباری، حامد. (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی و انتقادی حق بر فراموش شدن در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق ایران. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۷(۲۳)، ۱۲۷-۱۵۲. [doi: 10.22034/law.2024.2028152.1335](https://doi.org/10.22034/law.2024.2028152.1335)
6. رهبری، ابراهیم، خاکزاد، صیاد، سالاری، احمد (۱۳۹۲)، *حقوق انتقال فناوری*، جلد ۱، چاپ سوم، تهران، نشر سازمان سمت
7. صادقی، حسین، (۱۴۰۰). *حقوق، تکنولوژی و اجتماع*، جلد ۱، چاپ اول، تهران، حقوق یار
8. غلامی، رضا، پورحیدر، احمد (۱۴۰۰). الگوی شش‌ضلعی حکمرانی فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران، *دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران*، ۶ (۱)، ۱-۲۶.
9. قناد، فاطمه، علیقلی، امیره (۱۳۹۹)، مفهوم و اهمیت داده‌های شخصی و حریم خصوصی و انواع حمایت از آن در فضای مجازی، *مجله حقوق فناوری‌های نوین*، ۱ (۱)، ۳۲۲-۲۹۷.
10. مرادخانی، فردین، تکلو سمیه (۱۴۰۰)، تعدد نهادهای قانون‌گذاری با تأکید بر جایگاه مصوبات شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۲ (۲۲)، ۲۵-۶۷.

منابع انگلیسی

1. Afina, A., et al. (2024). Towards a Global Approach to Digital Platform Regulation. Chatham House. <https://www.chathamhouse.org/2024/01/towards-global-approach-digital-platform-regulation>
2. Bahadori, A., Farahani, M.S., Jafarian, M.M., & Ghasempour, R. (2025). Emerging Anti-Competitive Practices in Digital Platforms. *Public Law Studies*, 53(16), 41-63. (in Persian)
3. Baldwin, R., Cave, M. and Lodge, M. (2012) *Understanding Regulation: Theory, Strategy, and Practice*. Oxford University Press, Oxford. <https://doi.org/10.1093/acprof:osobl/9780199576081.001.0001>
4. Bradford, A. (2020). *The Brussels Effect: How the European Union Rules the World*. Oxford University Press.
5. Chander, Anupam, The National Security Internet (February 23, 2025). 114 Geo. L.J. (forthcoming 2025)., Georgetown University Law Center Research Paper Forthcoming, (2025). Georgetown Law Faculty Publications and Other Works. 2654., Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=5151485> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.5151485>
6. de Streel, A., et al. (2021). The European Digital Services Act: A Legal and Policy Analysis. SSRN. <https://ssrn.com/abstract=3806260>
7. Esmacili, M., Habibnejad, S. A. and Davoudi, H. (2025). Pathology of Media Trial in Iran's Legal System with a Look at Comparative Studies. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 7(25), 7-45. [doi: 10.22034/law.2024.2036740.1425](https://doi.org/10.22034/law.2024.2036740.1425). (in Persian)
8. European Commission. (2020). *Shaping Europe's Digital Future*. Brussels. <https://digital-strategy.ec.europa.eu/en/library/communications-shaping-europes-digital-future>
9. Gasser, U., & Schulz, W. (2015). Governance of Online Platforms: Toward a Sustainable Model. *Berkman Center for Internet & Society*, Harvard University.
10. Ghanad, F., & Aligholi, A. (2020). The Concept and Importance of Personal Data and Privacy and Its Protection in Cyberspace. *Journal of New Technology Law*, 1(1), 297-322. (in Persian)
11. Gholami, R., & Pourheyder, A. (2021). The Hexagonal Model of Cyber Governance in the Islamic Republic of Iran. *Iranian Journal of Foresight Studies*, 6(1), 1-26. (in Persian)
12. Gorwa, R. (2022). *The Politics of Platform Regulation*. Open Access. <https://library.oapen.org/handle/20.500.12657/90834>

13. Hessam, A., & Gholamalizadeh, M. (2024). Civil Liability of Online Platforms for Users' Actions. *Islamic Law Quarterly*, 20(79), 127–145. (in Persian)
14. Kenney, Martin & Zysman, John. (2016). The Rise of the Platform Economy. *Issues in science and technology*. 32. 61-69.
15. Khubyari, H. (2024). A Review of Principles Governing the budgeting system in Iran and France. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 7(23), 127-152. doi: 10.22034/law.2024.2028152.1335. (in Persian)
16. Moradkhani, F., & Takaloo, S. (2021). Multiplicity of Legislative Institutions: The Legal Status of the Supreme Council of Cyberspace's Resolutions in Iran's Legal System. *Journal of Contemporary Comparative Law Studies*, 12(22), 25–67. (in Persian)
17. OECD (2019), *The Role of Digital Platforms in the Collection of VAT/GST on Online Sales*, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/e0e2dd2d-en>
18. Palfrey, J. (2008). *Born Digital: Understanding the First Generation of Digital Natives*. Basic Books.
19. Pasquale, Frank A. and Bracha, Oren, Federal Search Commission? Access, Fairness and Accountability in the Law of Search. *Cornell Law Review*, September 2008, U of Texas Law, Public Law Research Paper No. 123, Seton Hall Public Law Research Paper No. 1002453, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1002453>
20. Pishnamaz, S.A., & Rokni, A.A. (2024). The Shutdown of Virtual Platforms: Necessity of Analyzing the Governing Regime of Personal Data. *Journal of Legal Research*, 22(55), 469–506. (in Persian)
21. Rahbari, E., Khakzad, S., & Salari, A. (2013). *Technology Transfer Law (Vol. 1, 3rd ed.)*. Tehran: SAMT Publications. (in Persian)
22. Sadeghi, H. (2021). *Law, Technology, and Society (Vol. 1, 1st ed.)*. Tehran: Hoqooqyar Publications. (in Persian)
23. Smuha, N.A. (2024). Digital Sovereignty in the European Union: Five Challenges from a Normative Perspective. SSRN. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=4501591
24. World Economic Forum. (2025). What is Digital Sovereignty? Geneva. <https://www.weforum.org/stories/2025/01/europe-digital-sovereignty>
25. Zuboff, Shoshana. *The Age of Surveillance Capitalism: The Fight for a Human Future at the New Frontier of Power*. New York: PublicAffairs, 2019.

پایرونیته در انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version